

نقش شورای انقلاب اسلامی در نهادینه‌سازی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها

(۱۳۵۷-۱۳۵۹) و شناسایی عوامل عدم تحقق آن

محمد ملایی^۱

چکیده

مواضع و تعامل چندجانبه شورای انقلاب به عنوان اولین نهاد مجری انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ با سایر طبقات نقش‌آفرین در انقلاب فرهنگی، که عبارت‌اند از رهبر، دانشگاهیان، دولت و مردم، تأثیر مستقیمی بر نهادسازی و نهادینه‌سازی این مقوله فرهنگی در انقلاب اسلامی داشته است. هدف اصلی این پژوهش آن است که با روش توصیفی-تحلیلی و بررسی اسناد، منابع و مطبوعات موجود، نقش شورای انقلاب در عدم تحقق اهداف انقلاب فرهنگی در بازه زمانی مسئولیتش را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عدم دستیابی شورای انقلاب به موفقیت مورد نظر امام خمینی در اجرای انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها بیش از هر چیز در چند امر خلاصه می‌شود: اولاً مشغله بیش از حد این نهاد در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، ثانیاً برداشت مبهم و ناقص و به تبع آن برنامه‌ریزی غیرجامع اعضای آن نهاد از مقوله انقلاب فرهنگی و ثالثاً عدم همکاری و فرمانبرداری اولین دولت انقلاب اسلامی و رؤسای دانشگاه‌ها در فرآیند کار. در این میان تنها رهبری امام خمینی و همراهی مردم با اقدامات این نهاد به نحو صحیح صورت گرفته است. نکته راهبردی دیگر آنکه توجه رهبر انقلاب به توأم بودن نهادسازی در کنار نهادینه‌سازی مقوله انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها باعث شد تا ایشان در بند نهاد خاص نباشد و به علت نواقص موجود، مسئولیت آن را به نهاد جدید ستاد انقلاب فرهنگی واگذار کند.

واژه‌های کلیدی: انقلاب فرهنگی، شورای انقلاب، دانشگاه، نهادسازی، نهادینه‌سازی.

۱. دانشجوی دکتری دین‌پژوهی، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، پژوهشگر انقلاب اسلامی بنیاد

تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی قم. m.mollaey68@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶ نوع مقاله: پژوهشی

**The role of the Islamic Revolutionary Council in the institutionalization of
the cultural revolution in universities
(1979-1981) and identifying the reasons of its fiasco**

Mohammad Mollaey¹

Abstract

The positions and multilateral interaction of the Revolutionary Council as the first implementing body of the cultural revolution in universities between 1979 and 1981 with other groups that play a role in the cultural revolution, which include the leader, academics, the government and the people, have a direct effect on the institutionalization of this cultural revolution. The main goal of this research is to investigate the role of the Revolutionary Council in the non-fulfillment of the goals of the Cultural Revolution in the time frame of its responsibility, using the descriptive-analytical method and the review of existing documents, sources and press. The findings of the research show that the failure of the Revolutionary Council to achieve the success desired by Imam Khomeini in implementing the cultural revolution in universities can be summed up in a few effects: firstly, the excessive busyness of this institution in the early days of the victory of the Islamic Revolution, secondly, its vague and incomplete perception and as a result, the non-comprehensive planning of the members of that institution from the category of cultural revolution, and thirdly, the lack of cooperation and obedience of the first government of the Islamic Revolution and the presidents of the universities in the work process. Meanwhile, only the leadership of Imam Khomeini and the people's support with the actions of this institution have been done correctly. Another strategic point is that the leader of the revolution's attention to the coexistence of institution-building and the institutionalization of the cultural revolution category in universities made it not to be bound by a specific institution and, due to the existing shortcomings, handed over its responsibility to the new institution of the Cultural Revolution Headquarters.

Keywords: cultural revolution, revolutionary council, university, institution building, institutionalization.

1. Doctoral student of religious studies, Faculty of Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m.mollaey68@gmail.com

مقدمه

مسئله انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها از جمله نقاط عطف تصمیم‌گیری سیاسی زمامداران انقلاب اسلامی است که نحوه اجرای درست آن می‌تواند تفاوت نهادسازی و نهادهای سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی را نشان دهد. در غالب پژوهش‌هایی که درباره موضوع انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها انجام شده، اولین نهاد مسئول در اجرای انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها را «ستاد انقلاب فرهنگی» معرفی کرده‌اند، در حالی که طبق مستندات و داده‌های تاریخی، ستاد انقلاب فرهنگی دومین نهاد مسئول اجرای انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌هاست که پس از «شورای انقلاب اسلامی» عهده‌دار این مسئولیت شد. پس از «ستاد انقلاب فرهنگی» نیز «شورای عالی انقلاب فرهنگی» بر این مسئولیت منصوب گردید.

در حقیقت انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، در یک سیر چهار ساله تا پایان تابستان ۱۳۶۲، دو گذار را در نهادسازی تجربه کرده است که علت آن، موضع‌گیری‌ها و اقدامات نامتناسب نهادهای مسئول قبلی بوده است. اما چه اتفاقی افتاد که امام خمینی مسئولیت انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها را از «شورای انقلاب» گرفته و به نهاد جدیدی با نام «ستاد انقلاب فرهنگی» داد. مسئله اصلی و محوری در این پژوهش، واکاوی تاریخی همین موضوع است.

ضرورت پژوهش حاضر به حساس بودن موضوع آن، که عبارت است از «انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها» برمی‌گردد. مسئله‌ای که با گذشت چهار دهه و تصدی سه نهاد مسئول، همچنان از مسائل مهم نظام است، چون هنوز با آن نقطه آرمانی فاصله زیادی احساس می‌شود. اهمیت این پژوهش آن است که می‌توان در واکاوی این سیر تاریخی، میزان موفقیت مسئولین، خلأها و کاستی‌های آن را مشخص کرد تا دورنمای روشن‌تری برای تحول فرهنگی در دانشگاه‌ها را برای سال‌های آتی ترسیم کرد، زیرا آنچه امروزه به عنوان ثمره انقلاب فرهنگی در دانشگاه مشاهده می‌شود برپایه همان رویدادهای تاریخی استوار شده است.

این پژوهش به سهم خود در صدد است با روش توصیفی-تحلیلی از نوع تاریخی و بررسی اسناد، منابع و مطبوعات موجود، روند نهادسازی و نهادهای سازی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها را در بازه زمانی اسفند ۱۳۵۷ تا بهار ۱۳۵۹ و تشکیل «ستاد انقلاب فرهنگی» بررسی کند. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: عوامل عدم تحقق اهداف انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها در دوران عهده‌داری شورای انقلاب اسلامی چیست؟

سؤالات فرعی در این پژوهش نیز عبارت‌اند از: چه طبقات و افرادی در بازه زمانی ۱۳۵۷-۱۳۵۹ در بحث اجرای انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها نقش داشتند و هر کدام تا چه حد در ایفای نقش خود موفق بودند؟

پیشینه پژوهش

آثار متعددی با موضوع انقلاب فرهنگی وجود دارد که تنها برخی از آنها در پیشینه پژوهش حاضر قابل ذکرند. چون تعداد زیادی از آن آثار به شکل سخنرانی، مصاحبه یا جمع‌آوری خاطرات هستند که مواد خام پژوهشی بوده و ساختار پژوهشی ندارند تا در پیشینه پژوهش ذکر شوند. در پژوهش‌های موجود نیز، بسیاری فقط توصیف صرف تاریخی بوده و تبیینی ندارند. برخی هم فراتر از تاریخ انقلاب اسلامی به بررسی انقلاب فرهنگی پرداخته‌اند. بعضی نیز به سیر تاریخی انقلاب فرهنگی با تمرکز به گروکشی‌های سیاسی و جناحی در افراد و نهادهای اجرایی‌اش توجه داشته‌اند و برخی به عملکرد و بررسی مصوبات نهاد «شورای عالی انقلاب فرهنگی» متمرکز شده‌اند که از جهت دایره زمانی و موضوعی خارج از پژوهش حاضر هستند. لذا مهم‌ترین پژوهش‌های نزدیک به نوشتار حاضر عبارت‌اند از:

۱. مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی روندهای مؤثر بر شکل‌گیری ایده انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها و شناسایی اسلوب‌های بیانی آن تا مقطع غلبه گفتار اسلامی کردن» (زائری و محمدعلی زاده، ۱۳۹۸: ۶۱-۹۱).

این مقاله، انقلاب فرهنگی را به دو دوره اول و دوم تقسیم کرده و با روش جامعه‌شناختی فوکویی به بررسی روندهای مؤثر بر شکل‌گیری ایده انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها پرداخته است. نویسندگان این مقاله، مبدأ تحول‌خواهی دانشجویان در انقلاب فرهنگی اول را ۲۹ فروردین ۱۳۵۹، هم‌زمان با تصرف دانشگاه تبریز توسط دانشجویان مسلمان دانسته و به بررسی وقایع شکل‌گیری انقلاب فرهنگی از این تاریخ تا سال ۱۳۶۳ متمرکز شده است.

۲. مقاله «شناسایی صورت‌بندی گفتمانی واقعه «انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها» (۱۳۵۹-۱۳۶۳)» (زائری و دیگران، ۱۳۹۵: ۷-۳۷).

این مقاله نیز با رویکرد گفتمانی که یک رویکرد جامعه‌شناسانه است به سیر انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ پرداخته است. این مقاله نیز مبدأ انقلاب فرهنگی اول را ۲۹

فروردین ۱۳۵۹ و تصرف دانشگاه تبریز توسط دانشجویان مسلمان دانسته و به بررسی گفتمان‌های دخیل در انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها تا سال ۱۳۶۳ توجه کرده است.

۳. مقاله «تباریابی رخداد «انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها»؛ بر مبنای همسویی انتقادی روندهای کلان فرهنگی دوره ماقبل انقلاب اسلامی»، (زائری و محمدعلی زاده، ۱۳۹۶: ۷-۵۰).

این مقاله به بررسی روندهای مؤثر بر وقوع رخداد «انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها» (۱۳۵۹) پیش از پیروزی انقلاب اسلامی متمرکز شده و به بررسی آن از اواخر دوره پهلوی دوم پرداخته است. رویکرد این مقاله هم مانند دو مقاله قبلی جامعه‌شناسانه است.

۴. مقاله «ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری انقلاب فرهنگی مبتنی بر علوم انسانی» (فتوحی و فاضلی، ۱۳۹۸: ۹۷-۱۱۶).

این مقاله که از پارادایم پژوهش کیفی و روش پژوهش تحلیل تبارشناسانه استفاده کرده است با گردآوری داده‌های اسنادی، در بازه زمانی گسترده از سال ۱۳۳۲ به بررسی ریشه‌های تاریخی انقلاب فرهنگی پرداخته است. در این مقاله علاوه بر بُعد زمانی انقلاب فرهنگی که از سال ۱۳۳۲ را شامل می‌شود، در بُعد مکانی هم محدود به دانشگاه‌ها نبوده و تحول فرهنگی کلان را مورد بررسی قرار داده است.

اما تمایز پژوهش حاضر با مقالاتی که به عنوان پیشینه ذکر شد در چند مورد قابل بیان است:

۱. روش این نوشتار برخلاف سه مقاله اول که روش جامعه‌شناسانه فوکویی را اتخاذ کرده‌اند، با رویکرد تاریخی و بررسی اسناد، منابع و مطبوعات موجود است.

۲. برخلاف مقاله چهارم که تحول انقلاب فرهنگی در بازه زمانی و مکانی وسیعی را مورد بررسی قرار داده است، این پژوهش به بررسی شکل‌گیری نهادی و نهادینگی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها در دو سال اولیه انقلاب اسلامی تمرکز کرده است.

۳. برخلاف مقالات مذکور و بسیاری از پژوهش‌های دیگر که مبدأ تحولات انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها را بعد از تصرف دانشگاه تبریز توسط دانشجویان انجمن اسلامی می‌دانند، این پژوهش معتقد است مبدأ این تحولات از تصرف دانشگاه ملی تهران، توسط دانشجویان انجمن اسلامی در ۲۳ اسفند ۱۳۵۸ شروع شد.

۴. همچنین در پژوهش تمرکز اصلی به نقش «شورای انقلاب اسلامی» است که تا پیش از تشکیل «ستاد انقلاب فرهنگی» در سال ۱۳۵۹، نقش مجری انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها را برعهده داشت. نهادی که تاکنون به نقش آن در انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها توجه عمیقی نشده است. علاوه بر

آن، به نقش عوامل و طبقات مؤثر دیگر، از جمله دولت، کادر دانشگاهی و مردم هم توجه ویژه‌ای شده است و انحرافات و اختلافاتی که در این مدت بین این طبقات به وجود آمده نیز بررسی شده است؛ چون همه اینها، طبقاتی هستند که نقش پررنگی در پیدایش شکل فعلی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها داشتند و به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بازشناسی نهاد شورای انقلاب اسلامی

تاریخ دقیق شکل‌گیری ایده شورای انقلاب اسلامی و زمان دقیق عملیاتی شدن آن توسط امام خمینی مشخص نیست اما بنابر برخی قرائن، عملیاتی‌شدن این فکر، اندکی پس از ورود امام خمینی به پاریس در مهر ۱۳۵۷ صورت گرفت. هم‌زمان با اوج‌گیری مبارزات مردمی برای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ضرورت تشکیل نهادی برای هدایت مبارزات در بدنه جامعه ایران از سوی رهبری انقلاب احساس می‌شد (سائلی کرده ده، ۱۳۸۴: ۳۶-۳۹). در نهایت انتشار عمومی خبر تشکیل آن در ۱۳۵۷/۱۰/۲۲ با صدور پیامی از سوی امام خطاب به ملت ایران، اعلام شد (ر.ک: اسناد-۱). در آن پیام به سه مورد از مهم‌ترین شرح وظایف این شورا اشاره شد. الف- تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم. ب- انجام انتخابات بر اساس مصوبات مجلس مؤسسان و قانون اساسی جدید؛ ج- انتقال قدرت به منتخبین جدید (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۴۲۹/۵-۴۲۷).

با توجه به برهه حساسی که این نهاد در آن تأسیس شد، ضرورت مخفی بودن اعضای آن برای مدت طولانی ادامه داشت و هرگز فهرست تمام اعضای آن به شکل قطعی معلوم نشد (به عنوان نمونه ر.ک: کیهان، ۱۳۵۷/۱۱/۱۷: ۱؛ انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۰۸/۲۲: ۱ و ۲؛ سحابی، ۱۳۸۴: ۲۱۱؛ آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۶۵۱) اما دست‌کم عضویت افراد ذیل - هرچند برخی از آن افراد به صورت موقت و چند ماهه در این شورا حضور داشتند- در بازه زمانی هجده ماهه فعالیت شورای انقلاب قطعی است.

۱. مرتضی مطهری، ۲. سید محمد حسینی بهشتی، ۳. محمدجواد باهنر، ۴. اکبر هاشمی رفسنجانی، ۵. سیدعلی خامنه‌ای، ۶. محمدرضا مهدوی‌کنی، ۷. سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، ۸. سید محمود طالقانی، ۹. مهدی بازرگان، ۱۰. یدالله سحابی، ۱۱. عزت‌الله سحابی، ۱۲. ابوالحسن بنی‌صدر، ۱۳. صادق قطب‌زاده، ۱۴. حسن حبیبی، ۱۴. عباس شیبانی، ۱۵. مصطفی کتیرایی، ۱۶. احمد صدر حاج‌سیدجوادی، ۱۷. کریم سنجابی، ۱۸. ابراهیم یزدی، ۱۹. علی‌اصغر مسعودی، ۲۰. محمدولی قره‌نی، ۲۱. علی‌اکبر معین‌فر، ۲۲. حبیب‌الله پیمان، ۲۳. میرحسین موسوی، ۲۴. احمد جلالی (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۱۵۳. هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱/۳۲۳. سائلی کرده ده، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۶).

غیر از وظایف شورای انقلاب، مسئله هدف‌انگاری این شورا نیز محل بحث است. اساساً این شورا با چه هدفی روی کار آمد؟ و آیا انقلاب فرهنگی در دانشگاه می‌تواند جزو اهداف این نهاد متصور شود؟

بهترین منبع برای مراجعه جهت آگاهی در این باره، اساسنامه شورای انقلاب است. در اساسنامه شورای انقلاب، هدف کلی از تأسیس آن چنین معرفی شده است: پاسداری از ثمرات مبارزات آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه و حق‌پرستی و جنبش‌های مجاهدانه ملت ایران، اجرای اهداف انقلاب و ایجاد حکومت جمهوری دموکراتیک اسلامی در ایران. همچنین قرار بود این شورا در مواقع بحرانی و احياناً فقدان امام خمینی، خلأ «رهبری نهضت اسلامی» را پر کند. چنان‌که در ماده هفت اساسنامه آن آمده است: «در صورت عدم امکان دسترسی به امام خمینی به علتی از قبیل مسافرت، بیماری و فوت، شورای انقلاب دارای همان اختیاراتی خواهد بود که امام خمینی دارا می‌باشد» (سائلی کرده ده، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۴).

با توجه به اهداف پیش‌بینی‌شده، انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها می‌تواند جزو اصیل‌ترین اهداف شورای انقلاب باشد. چون یکی از دغدغه‌های اصلی و محوری انقلابیون، سامان‌دادن به اوضاع آشفته فرهنگی کشور بود. رد پای این دغدغه را می‌توان در بیانات امام خمینی هم دید (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۳۹۶/۶ و ۳۶۶/۱۲).

از آنچه در مورد وظایف و اهداف این نهاد انقلابی گفته شد، کاملاً روشن می‌شود که شورای انقلاب، به نوعی قدرت قانون‌گذاری کشور تا تصویب قانون اساسی و روی کار آمدن مجلس شورای اسلامی، و همچنین قدرت مطلقه اجرایی کشور تا روی کار آمدن دولت را برعهده داشته است. لذا با تشکیل نخستین مجلس شورای اسلامی و رسمیت‌یافتن فعالیتش در ۱۳۵۹/۴/۲۹، شورای انقلاب نیز پس از هجده ماه به کار خود پایان داد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۱۵۳). نکته مهم دیگر در مورد این نهاد، مشغله‌ها و مسئولیت‌های کاری بی‌شمار آن است. از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین تصمیم‌گیری‌ها و اقداماتی که در نخستین روزهای انقلاب اسلامی صورت می‌گرفت مستقیم یا غیر مستقیم به این نهاد مربوط می‌شد و طبیعی بود که اعضای آن نیز با یک محدودیت زمانی شدید برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی مواجه بودند.

طبقات و طیف‌های تأثیرگذار در انقلاب فرهنگی

توجه به بُعد فرهنگ در جوامع دینی و غیر دینی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در طول تاریخ و در جوامع مختلف، همواره این مقوله با دو رویکرد نهادسازی و نهادینه‌سازی همراه بوده است که اجرای هر کدام به تنهایی، معایبی داشت که ثمره آن در نتیجه کار قابل رویت بود. نهادسازی فرهنگی به معنای آن است که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی باید در قالب نهادها، سازمان‌ها و نظام‌های تشکیلاتی سامان یابد تا بروز و ظهور خارجی پیدا کرده و مردم، ثمرات و آثار آن را با توجه به همان ویژگی‌ها و شاخصه‌های نهادینه‌شدن رویت کنند. نهادینه‌سازی فرهنگی نیز به معنای تثبیت و جا انداختن باورها و ارزش‌های فرهنگی برای افراد جامعه است. نهادسازی بدون در نظر گرفتن نهادینه‌سازی، منجر به بی‌تفاوتی افراد جامعه در اجرای تحول فرهنگی خواهد شد و نهادینه‌سازی بدون نهادسازی باعث می‌شود تا مرجع و ملجأیی به عنوان معیار اجرای فرهنگ وجود نداشته باشد و صرفاً با انبوهی از سلاقیق و اختلاف قرائت‌ها مواجه باشیم.

با لحاظ این مقدمه باید گفت، اگرچه شورای انقلاب، مسئولیت اصلی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها را بین سال‌های ۱۳۵۷ تا بهار ۱۳۵۹ برعهده داشت اما طبقات مؤثر دیگری نیز بودند که در تعامل با شورای انقلاب، هر کدام وظایف خاصی را برای به نتیجه رسیدن این امر برعهده داشتند که باید نقش هر یک از آنها در موفقیت یا عدم موفقیت شورای انقلاب نمایان شود.

در بررسی‌های انجام‌شده مجموعاً با شش طبقه اثرگذار در این مقوله مواجه هستیم که عبارت‌اند از:

۱. رهبر انقلاب اسلامی.

۲. شورای انقلاب اسلامی.

۳. دولت، اعم از رئیس‌جمهور و وزرای کابینه آن.

۴. کادر علمی و مدیریتی دانشگاه‌ها.

۵. دانشجویان که در قالب احزاب، سازمان‌ها و گروهک‌های دانشجویی مستقر در دانشگاه‌ها حضور داشتند.

۶. عموم مردم.

واکاوی سیر تاریخی این موضوع، پاسخ سؤال اصلی پژوهش ما را که بررسی عوامل عدم تحقق اهداف انقلاب فرهنگی توسط شورای انقلاب اسلامی است، روشن خواهد نمود.

اوضاع آشفته دانشگاه‌ها در نخستین سال پیروزی انقلاب اسلامی

دانشگاه‌ها اعم از دانشجویان، کادر مدیریتی و استادان دانشگاه‌ها، از آن رو که بستر تحقق انقلاب فرهنگی بودند، نخستین گزینه‌ای هستند که باید عملکرد آنها، در اجرایی شدن انقلاب فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. آنها علاوه بر اینکه خود بستر تغییر بودند، باید زمینه مناسبی برای اجرایی شدن برنامه‌های تحول در دانشگاه را فراهم می‌کردند.

واکنش دانشجویان

در بازه زمانی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۹ بنا بر اقتضائات تاریخی، عمده دانشجویان دانشگاه‌ها، در قالب احزاب، سازمان‌ها و گروهک‌های دانشجویی، فعالیت داشتند که هر یک تفکر و عقیده خاصی را دنبال می‌کردند و تقریباً دانشجو بودن خارج از حزب و سازمان، تصور خارجی نداشت. درگیری بین دانشجویان انجمن اسلامی و گروه‌های دیگری که ادعای انقلابی بودن در دانشگاه‌ها را داشتند باعث خارج شدن بحث انقلاب فرهنگی از چارچوب گفت‌وگو و نهادینه‌سازی به سمت درگیری‌های جناحی و سیاسی می‌شد. غیر از آن، فهم ناقص دانشجویان در هر دو طیف (اسلامی و تفکرات دیگر) از انقلاب فرهنگی، قابل تأمل است. دانشجویان هر دو طیف گمان می‌کردند که انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، یعنی تعطیل کردن هرآنچه به غرب ربط داشته باشد؛ اعم از اخراج اساتید غیرایرانی، تعطیلی زبان‌های خارجی، استعفای اجباری مدیرانی که از زمان طاغوت در دانشگاه‌ها مشغول به کار بودند و حتی تغییر نام دانشگاه‌ها به اسامی اسلامی یا حزبی خود.

در میان گروه‌های دانشجویی اسلام‌گرا، نقش دانشجویان انجمن اسلامی پُررنگ‌تر از بقیه است. انقلاب اسلامی به‌تازگی به پیروزی رسیده و رهبری آن در دست یک فرد مذهبی بود، از این رو دانشجویان اسلام‌گرا نمی‌خواستند برای سایر تفکرات غیراسلامی، سهمی در دانشگاه‌ها قائل باشند. اما نه خود خبره کار بودند و نه خوش‌بینی لازم را به مسئولین اجرای انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها داشتند.

نمونه‌ای از این موارد را می‌توان در اسناد سفارت آمریکا و مطبوعات، که مهم‌ترین منابع سندی و پوشش‌دهنده وقایع هستند پیگیری کرد. به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

۱. در گزارش ناس-یکی از کاردارهای سفارت آمریکا- در ۱۳۵۸/۲/۲۴ آمده است:

«دانشگاه صنعتی شریف اعلام کرده کلیه استادان خارجی در پایان این ترم خواهند

رفت و این که هیچ درسی به زبان انگلیسی تدریس نخواهد شد اما مشخص نکرده

چگونه و از کجا متون فارسی برای دروس فنی تهیه می‌شود» (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۹۰، ۳۸۰/۱۰).

۲. درگیری شورای دانشجویان دانشگاه مشهد و گروهی از دانشجویان مجمع احیاء تفکرات شیعی و سایر دانشجویان در ۱۳۵۸/۱۲/۱ در محل دانشکده علوم، منجر به گروگان‌گیری و جرح عده‌ای از دانشجویان شد (ر.ک: اسناد-۲، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۰۲: ۳). غلامعلی ادیبیان، سرپرست دانشگاه مشهد در ۶ اسفند ۱۳۵۸ از سمت خود استعفا داد (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۰۶: ۳).

۳. در ۱۳۵۸/۱۲/۲، در پی برگزاری میتینگ‌های سازمان مجاهدین خلق در دانشگاه تهران، درگیری‌های عظیمی اتفاق افتاد و عده‌ای از دانشجویان مجروح شدند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۰۴: ۲ و ۳). به دنبال این درگیری‌ها، دکتر ملکی در یک کنفرانس مطبوعاتی به همراه دیگر اعضای شورای مدیریت دانشگاه تهران برای دومین بار از آغاز اسفند، استعفانامه خود را برای بنی‌صدر فرستاد (ر.ک: اسناد-۳، اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۰۶: ۱ و ۲).

۴. در ۱۳۵۸/۱۲/۱۸، دکتر جعفر شعار، رئیس دانشگاه تربیت معلم، با تصویب قطعنامه‌ای از سوی دانشجویان انجمن اسلامی در سالن همان دانشگاه، به لیبرال بودن محکوم شده و توسط دانشجویان، از دفتر خود بیرون رانده شد (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۱۸: ۸).

۵. گروهی از دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاه ملی، در ۲۳ اسفند ۱۳۵۸ با تصرف قسمتی از دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، موجودیت دانشکده جدیدی با نام «دانشکده انقلاب اسلامی علوم اقتصادی و سیاسی» را با زدن پرده پارچه‌ای بر بالای ساختمان اعلام کردند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۲۳: ۱۰).

این حوادث درحالی اتفاق می‌افتاد که اعضای شورای انقلاب علاوه بر وظایف محوله از طرف امام، به‌شدت درگیر مسائل گروگان‌گیری، تجزیه‌طلبی، و ده‌ها مشکل ریز و درشت دیگر بوده و عملاً اقدام مهمی برای تحویل دانشگاه‌ها انجام نمی‌دادند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۲۷: اکثر صفحات). نهایت کاری که شورای انقلاب در آخرین روز کاری سال ۱۳۵۸ انجام داد، عدم پذیرش استعفای اعضای شورای سرپرستی دانشگاه تهران و ابقای شرایط فعلی در دانشگاه‌ها تا تصویب قانون استقلال دانشگاه‌ها بود (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۲۸، ص ۱۱).

امام خمینی که اوضاع آشفته مراکز آموزشی کشور خصوصاً دانشگاه‌ها را رصد می‌کرد در پیام نوروزی ۱۳۵۹/۱/۱ با صراحت لهجه بیشتر بازم بر ایجاد تحول فرهنگی در دانشگاه‌ها تأکید کرد (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۹۳: ۲۰۷/۱۲). با این پیام امام، اعضای هیئت دولت و شورای انقلاب، در

۱۳۵۹/۱/۱۱ جلسه مشترکی تشکیل دادند که البته نتیجه خاصی نداشت (ر.ک: اطلاعات، ۱۴/۱۳۵۹/۰۱: ۱۰).

هم‌زمان با این اظهارنظرها، اقدامات دولت و شورای انقلاب از سوی برخی نویسندگان و اندیشمندان کشور مورد نقد قرار گرفت. به عنوان نمونه می‌توان به متن انتقادی آقای عین‌الله احمدی در روزنامه اطلاعات در ۱۸ فروردین اشاره کرد که اقدام جدید وزارت فرهنگ را در ادغام ۵۳ دانشکده و مؤسسه آموزش عالی کشور غیرمتخصصانه دانسته و آن را موجب تداوم مدرک‌گرایی خواند. نکته قابل‌تأمل دیگر در متن انتقادی این نویسنده، خرده‌گیری به متون درسی دانشگاهی بود که اگر این نقد مستند باشد، نشان می‌دهد مسئولین امر در بخش مربوطه، به سبب مشغله کاری یا اهمال، آن را سرسری گرفته و اقدام جدی در اسلامی‌سازی متون دانشگاهی نکرده‌اند. وی نوشت:

«چندی پیش به برنامه درسی پس از انقلاب یکی از دانشکده‌های اقتصاد نگاه می‌کردم که جداً خنده‌آور بود، زیرا حضرات تقریباً همان دروس را باقی گذاشته بودند، منتهی جهت اینکه ثابت کنند انقلابی شده دو واحد اقتصاد سوسیالیستی و سه واحد اقتصاد توحیدی نیز در آن جا داده‌اند!» (اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۱۸: ۴ و ۹)

شنبه ۱۳۵۹/۱/۱۶ پس از بیست روز تعطیلی، دانشگاه‌ها باز شدند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۱۶: ۲) اما همچنان خبر از اغتشاش و درگیری در دانشگاه‌های گوشه و کنار کشور به گوش می‌رسید (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۱۷: ۱۰). به سبب اغتشاشات عظیم در دانشگاه، وزارت کشور و شهربانی طی بخشنامه‌ای در ۱۳۵۹/۱/۱۹ فعالیت گروه‌های سیاسی را در دانشگاه ممنوع کردند. این بخشنامه هیاهوی عظیمی را در پی داشت. صباغیان معاون وقت دانشگاه تهران در این باره چنین گفت: «اگر این بخشنامه به دست ما برسد اجرا نخواهد شد» (غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، ۱۳۶۴: ۲۸۳).

۲۶ فروردین ۱۳۵۹، آقای هاشمی رفسنجانی که برای شرکت در جشن‌های خودجوش مردمی به مناسبت قطع رابطه با آمریکا راهی تبریز شده و طبق برنامه تنظیم‌شده، به تالار دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز می‌رود (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۷۵). پس از سخنرانی و در ابتدای گفت‌وگوی پرسش و پاسخ، مشاجره‌ای بین دانشجویان درمی‌گیرد که آقای رفسنجانی مجلس را ترک می‌کند. (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۲: ۸) به دنبال این مشاجره، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تبریز به ساختمان مرکزی رفته و ضمن بیرون کردن مسئولان و کارکنان این مرکز، آنجا را به تصرف خود درمی‌آورند (ر.ک: اسناد-۴، اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۲۷: ۲ و ۱۲).

انتشار خیر تصرف دانشگاه تبریز، بر بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تاثیر گذار بود و یک به یک به این پویش پیوستند (ر.ک: اسناد-۵. غانله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، ۱۳۶۴: ۲۸۳-۲۸۴. همچنین ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۳۰: ۲). مردم نیز با راهپیمایی از آن حمایت کردند (به عنوان نمونه ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۲۸: ۲). دکتر حسن حبیبی، در موضع‌گیری برابر حادثه دانشگاه تبریز گفت: «در هر حال دانشگاه‌ها باید تا آخر سال کار خود را ادامه دهند و پس از آن اگر کاری لازم باشد انجام خواهیم داد ... کمیسیون‌هایی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی کار خود را در زمینه تغییر بنیادی نظام آموزش عالی از چندی قبل آغاز کرده‌اند و تاکنون به نتایجی هم رسیده‌اند» (اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۲۸: ۲). اما واقعیت آن بود که برخلاف سخنان آقای حبیبی، نتیجه محسوسی در بخش آموزش دانشگاه‌ها به دست نیامده و برنامه‌ها بیشتر در حد مصوبه باقی مانده بودند. در بخش‌های دیگر مانند تربیت استاد و کادر سازی و همچنین بُعد تربیتی- اخلاقی دانشگاه نیز اصلاً توجهی وجود نداشت و عملاً مغفول مانده بودند.

واکنش مدیران و هیئت علمی دانشگاه‌ها

واکنش مدیران و هیئت علمی دانشگاه‌ها نیز در این بازه زمانی قابل تأمل است، چراکه بیشتر با اقدامات خودسرانه و ناسازگاری هماهنگی داشت. در ذیل به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

۱. پس از مطرح شدن پیش‌نویس قانون اساسی در تابستان ۱۳۵۸، عده‌ای از دانشگاهیان تلاش کردند تا بحث استقلال دانشگاه‌ها را در قانون اساسی بگنجانند که به تثبیت همان نیروهای رژیم سابق در دانشگاه تأکید داشت و با کلیدواژه انحصارطلب، مانع ورود اندیشه‌های حوزه علمی به دانشگاه می‌شد. حتی به همین منظور، سمیناری دو روزه در ۲۴-۲۳ خرداد ۱۳۵۸ برگزار نموده و قطعنامه‌ای صادر کردند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۸/۰۳/۲۶: ۱۱).

۲. در اردیبهشت ۱۳۵۹، اعضای «هیئت علمی دانشگاه‌های تهران» در نامه‌ای سرگشاده خطاب به مردم، رئیس‌جمهور و شورای انقلاب، بیانیه شورای انقلاب درباره انقلاب فرهنگی را غیرکاربردی و مغرضانه دانستند (ر.ک: اسناد-۸، همچنین: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۲: ۴ و ۹ و ۱۱) و در اعتراض به وقایع دانشگاه با صدور بیانیه تندی، برای سومین بار در ۱۳۵۹/۲/۳ استعفا دادند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۶: ۲). به دنبال استعفای دسته جمعی مدیریت دانشگاه تهران، شورای مدیریت «دانشگاه آزاد ایران» و «دانشگاه مشهد» نیز با صدور بیانیه‌ای ضمن عملی ندانستن تصمیمات شورای انقلاب با آن مخالفت کردند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۶: ۲). آقایان هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای، پس از

استعفای غیرمنتظره و دسته‌جمعی مدیریت دانشگاه تهران، دیداری در مورخه ۱۳۵۹/۲/۵ با امام خمینی برگزار کردند اما پس از آن، گزارش ملاقات را رسانه‌ای کرده (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۸۱-۸۲، همچنین ر.ک: اسناد-۹، جمهوری اسلامی، ۰۶/۰۲/۱۳۵۹: ۷ و ۹) و ناخواسته جرقه حرکت جدیدی را زدند.

با انتشار عمومی نظر حضرت امام توسط دو تن از اعضای شورای انقلاب، مدیران مستعفی دانشگاه تهران از آیت‌الله خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی برای مناظره تلویزیونی پیرامون وقایع دانشگاه تهران دعوت کردند. (ر.ک: اسناد-۱۰، اطلاعات، ۰۶/۰۲/۱۳۵۹: ۳؛ اطلاعات، ۰۷/۰۲/۱۳۵۹: ۱۲). آقای هاشمی رفسنجانی در واکنش به مناظره، به نوعی توپ را در زمین امام انداخت و گفت: «من چیزی از خودم راجع به آقایان نگفتم و فقط بخشی از اظهارات امام را نقل کردم» (اطلاعات، ۲۷/۰۲/۱۳۵۹: ۱۱؛ همچنین: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۸۳).

علاوه بر سرپرستان دانشگاه تهران که اقداماتشان در آن چند روز بسیار خیرساز شده بود، در برخی دانشگاه‌ها و شهرهای دیگر هم اتفاق‌هایی می‌افتاد که به نفع شورای انقلاب نبود. درحالی‌که از طرف شورای انقلاب خواسته شده بود تا ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ کلاس‌ها دایر باشد، «دانشکده مهدی رضایی» و «دانشگاه علم و صنعت»، انحلال خود را اعلام نمودند. (ر.ک: اطلاعات، ۰۸/۰۲/۱۳۵۹: ۳) مشابه همین اقدام توسط مسئولین «دانشسرای حنیف‌نژاد» کرمان هم انجام شد (ر.ک: اطلاعات، ۰۷/۰۲/۱۳۵۹: ۳).

الصاق این اقدامات در برابر دستورالعمل‌های شورای انقلاب، به نوعی دانشجویان بازمانده از تحصیل را در مقابل شورای انقلاب قرار می‌داد. اما شورای انقلاب صبورانه، مدیریت مستعفی دانشگاه تهران را با همه این حاشیه‌سازی‌ها، در ۱۳۵۹/۳/۱۲، برای مدت یک سال دیگر به سمت خود ابقا کرد (ر.ک: اسناد ۱۱، اطلاعات، ۱۲/۰۳/۱۳۵۹: ۲؛ اطلاعات، ۱۳/۰۳/۱۳۵۹: ۲).

اختلافات دولت و شورای انقلاب در سامان دادن به دانشگاه‌ها

دولت یکی دیگر از مهم‌ترین طیف‌های تأثیرگذار در اجرای انقلاب فرهنگی بوده و تعامل مناسب آن با شورای انقلاب می‌توانست در اجرا و تسریع انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها نقش مثبتی ایجاد کند. مهم‌ترین بازخورد واکنش دولت در این مسئله را می‌توان در فرمان‌پذیری از نهاد بالاسری خود، یعنی شورای انقلاب دید. طبیعتاً رعایت سلسله مراتب در اجرای کارهای بزرگ کشوری، بیش از هر جا باید در دولت دیده شود. خودمختاری، موازی‌کاری و عدم فرمانبرداری دولت از شورای

انقلاب نه تنها باعث کُند شدن حرکت انقلاب فرهنگی در دانشگاه می‌شد بلکه به رده‌ها و دسته‌های پایین‌تر، مانند مدیران دانشگاه‌ها نیز سرایت می‌کرد.

با شدت یافتن درگیری‌ها و تصرف بسیاری از دانشگاه‌ها توسط گروه انجمن اسلامی، اعضای شورای انقلاب که هنوز مجری انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها بودند، در ۱۳۵۹/۱/۲۹ به دیدار امام رفتند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۳۰: ۱. همچنین ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۷۹-۷۸) و در پایان این ملاقات اطلاعیه‌ای صادر کردند که در آن اعلام شده بود. اولاً، برای کنترل بحران پیش آمده در دانشگاه‌ها و ایجاد نظم و آرامش، ستادهای عملیاتی گروه‌های گوناگون، دفترهای فعالیت و نظایر اینها که در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی مستقر شده‌اند باید در ظرف سه روز برچیده شود. ثانیاً، دانشگاه‌ها مدارس عالی باید ترتیبی دهند که امتحاناتشان تا ۱۴ خرداد پایان یابد و از ۱۵ خرداد تعطیل خواهد شد. ثالثاً، هرگونه استخدام در دانشگاه‌ها از هم‌اکنون باید متوقف شود (ر.ک: غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، ۱۳۶۴: ۲۸۶-۲۸۴. همچنین ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۳۰: ۱ و ۲ و ۳ و ۱۲).

بنی‌صدر، رئیس‌جمهور و رئیس شورای انقلاب، که از چندی پیش نسبت به اعضای روحانی شورای انقلاب موضع منفی پیدا کرده بود، تصرف دانشگاه‌ها و تعطیلی آنها را با هدف به انحصار درآوردن آنها برای روحانیون می‌دانست. او در خاطرات خود می‌گوید:

«از دو طریق به من اطلاع رسید: یکی از طریق آقای رجوی... یکی هم از طریق آقای دکتر تقی‌زاده که رئیس دانشگاه ملی بود. آن دانشجویان به اصطلاح در خط ما از طریق او به من اطلاع داده بودند که دارند تدارک تعطیلی دانشگاه‌ها را می‌بینند. شورای انقلاب جلسه تشکیل داد و تصمیم به تعطیلی دانشگاه‌ها گرفت. در آن زمان من در خوزستان بودم. در غیاب من این تصمیم را گرفتند. به تهران بازگشتم و با تعطیلی دانشگاه‌ها مخالفت کردم و گفتم: شما برنامه‌تان زدن رئیس‌جمهور است... گفتم از ریاست‌جمهوری استعفا می‌دهم و لازم به این کارها نیست» (بنی‌صدر، ۱۳۸۰: ۱۱۲-۱۱۳).

بنی‌صدر و اعضای دولت، همچنین به شکل باورنکردنی در صدد تشدید فضای دوقطبی در جامعه بودند. آنها در این فضای آشفته، مدام بر تعدد مراکز تصمیم‌گیری و عدم قدرت دولت تأکید کرده و با این سخنان، کوتاهی دولت را توجیه می‌کردند. به عنوان نمونه بنی‌صدر در سرمقاله روزنامه خود، نوشت.

«اصرار بر تعطیلی، آن هم از راه تصرف دانشگاه چرا؟ اگر این امر آن هم دو ماه پیش از تعطیلات دانشگاه ضرورت دارد، چرا با اعلامیه وزیر مسئول یا شورای انقلاب انجام نگیرد؟ اگر گروه‌های مخالف بر این کار اصرار می‌ورزیدند می‌شد فهمید که مقصودشان چون موارد مشابه، تضعیف دولت است، اما از سوی نیروهای خودی این کار قابل فهم و قابل توجیه به نظر نمی‌رسد» (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۰۱/۳۱: ۱ و ۱۶).

بالاخره در آخرین روز فروردین ۱۳۵۹، شورای انقلاب مجدداً جلسه فوق‌العاده‌ای را برای رسیدگی به وضع دانشگاه‌ها تشکیل داد و در پایان جلسه، پیامی برای مردم، دانشگاهیان و دانشجویان صادر کرد و در آن از همه اقشار نامبرده شده خواست تا برای اجرایی شدن هرچه بهتر انقلاب فرهنگی همراهی و همدلی کنند (ر.ک: غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، ۱۳۶۴: ۲۸۶-۲۸۸. همچنین ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۳۱: ۱۲). پس از اطلاعیه شورای انقلاب، واکنش گروه‌های مختلف دانشجویی، متفاوت بود. گروه‌های مختلف دانشجویی از جمله انجمن دانشجویان مسلمان و دانشجویان دموکرات و انجمن اسلامی دانشگاه‌ها دفاتر خود را در دانشگاه تهران، قزوین، اصفهان، تبریز و غیره تخلیه نمودند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۱: ۲ و ۳) اما سازمان دانشجویان پیشگام از همان ابتدای کار، در اطلاعیه‌ای اعلام داشت که به هیچ وجه حاضر نیست سنگر خود را در دانشگاه‌ها رها سازد (ر.ک: اسناد-۶. همچنین: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۲: ۲). با درگیری‌های شدیدی که بین آنها و گروه‌هایی از پاسداران و کمیته انقلاب اسلامی در گرفت، در نهایت با توسل به زور در صبح ۱۳۵۹/۲/۲ که آخرین مهلت مقرر تخلیه بود، این گروه نیز از دانشگاه بیرون رانده شد (ر.ک: غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹، ۱۳۶۴: ۲۹۰-۲۹۱؛ همچنین ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۲: ۲).

پس از تخلیه کامل دانشگاه از گروه‌های سیاسی، بنی‌صدر و دیگر اعضای شورای انقلاب با دعوت از مردم، برای اتمام کار روانه دانشگاه شدند (ر.ک: اسناد-۷. همچنین: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۸۰) تا علاوه بر اتمام حجت با گروه‌ها و سازمان‌های مستقر در دانشگاه‌ها، نقش داشتن تمام اقشار مردم در اجرای انقلاب فرهنگی را نشان دهند. مردم نیز که با تمام وجود، نقش خود را در این موضوع لمس می‌کردند در این تجمع شعار می‌دادند «مرگ بر سه مفسدین - توده‌ای و فدائی و منافقین» (اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۲: ۳) و با این شعار، سهمیم بودن هرگونه تفکرات مارکسیستی و کمونیستی در دانشگاه‌ها را رد می‌کردند؛ خواسته روشنی که در اقدامات بعدی دولت رعایت نشد.

بعد از ظهر همان روز، مردم به دعوت انجمن‌های اسلامی به طرف اقامتگاه امام خمینی در خیابان دربند حرکت کرده و جلوی اقامتگاه ایشان توقف کردند تا به سخنان ایشان گوش فرادهند. امام در

این سخنرانی از طرح تحول دانشگاه‌ها و شباهت پیرامون آن مطالبی فرمود که قابل تأمل است. ایشان پس از گذشت حدود یک سال و چند ماه از پیروزی انقلاب اسلامی و درخواست اجرای انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، بار دیگر به تبیین مقوله انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها پرداخت (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۹۳: ۲۴۸/۱۲-۲۵۲) گویا عدم شناخت درست مسئولان امر، ایشان را رنجانده است. بعد از این دو اقدام راهبردی، جو دانشگاه‌ها تا حدودی آرام شد. اما برخلاف مطالبه امام و مردم، اقدام جدی، جای خود را به موازی‌کاری و گروکشی حزبی و سیاسی داد.

طرح‌ها و مصوبات ناقص و غیرکاربردی شورای انقلاب و دولت

اقدامات شورای انقلاب، به عنوان اولین مقام مسئول در طرح تحول فرهنگی دانشگاه‌ها در این مدت نیز بسیار قابل توجه است. تصمیمات کلی و روند‌کننده این شورا، آن هم با اوضاع آشفته و پرتنش دانشگاه‌ها نشان می‌داد که عملاً برنامه مشخصی برای اجرا وجود ندارد. طرح‌های جزئی ارائه شده نیز غالباً با یک روند طولانی و فرسایشی همراه بودند و این وضعیت از آن جهت خطرناک بود که این رویکرد کند و انفعالی در برابر انبوه سمینارها و میزگردهایی که با موضوع انقلاب فرهنگی توسط بینش‌های مختلف سیاسی و فکری، در سطح کشور در حال اجرا بود، توانایی جلوگیری از انحرافات احتمالی پیش آمده را نداشت، کما اینکه برخی نویسندگان مطبوعات هم به آن اشاره می‌کردند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۳/۱۲: ۸).

غیر از آنچه که در بخش‌های قبل درباره موضع‌گیری‌های اعضای شورای انقلاب گذشت، از جمله اقدامات دیگری که این شورا برای تغییر و تحولات فرهنگی در دانشگاه‌ها انجام داد، آن بود که در ۱۳۵۹/۲/۸ خبر از دو مصوبه دور و نزدیک داد. یکی قانون «کار عملی، شرط گزینش در دانشگاه» (اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۹: ۱۲) و دیگری لایحه تشکیل «شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی» که البته دومی در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۷ به تصویب نهایی رسید (ر.ک: اسناد-۱۲. اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۲۳: ۱۲). دکتر حسن حبیبی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، هدف از تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی را که درحقیقت یک اقدام نهادسازانه بود، هماهنگی بین شوراها و کمیته‌هایی خواند که وظیفه اجرای انقلاب فرهنگی را برعهده داشتند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۲۹: ۱۲).

در ۱۳۵۹/۲/۹، وزارت فرهنگ و آموزش عالی اطلاعیه‌ای را با مضمون نظرجویی عمومی در باب انقلاب فرهنگی منتشر کرد (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۹: ۳). یک روز پس از این نظرجویی، انجمن‌های اسلامی و سازمان دانشجویان اولین طرح خود را برای پی‌ریزی یک نظام آموزشی اسلامی،

در جزوه‌ای منتشر کردند. اما این طرح، بیشتر به جنبه سخت‌افزاری دانشگاه‌ها توجه داشت و برای محتوای متون آموزشی، طرحی ارائه نکرده بود (اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۱۰: ۱۰). در ۱۳۵۹/۲/۱۴ نیز از سوی وزارت بهداشت، طرح مجتمع آموزش پزشکی، در رابطه با انقلاب فرهنگی انتشار یافت که آن نیز به شکلی شعارگونه، تنها از استقلال و تربیت نیروی انقلابی در میان پزشکان سخن می‌گفت (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۱۴، ص ۸). برخی افراد صاحب اندیشه نیز به طور فردی، طرح‌هایی را برای انقلاب فرهنگی ارائه می‌دادند که روزنامه اطلاعات در صفحه «انقلاب فرهنگی» خود که از تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱۲ آن را تعریف کرده بود، می‌گنجاند. از جمله اینها، نوشته‌های آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۳/۱۲: ۸) همچنین طرح پیشنهادی دکتر حسین عرفانی و غیره (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۳/۱۲: ۸ و ۹) بود اما ظاهر قضیه نشان می‌داد که ارائه‌دهندگان این طرح‌ها هم تصور روشنی از یک برنامه مدون ندارند (به عنوان نمونه ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۳/۱۲: ۸).

البته این کاستی‌ها تا حدی طبیعی بود، چون کار بزرگی باید صورت می‌گرفت. اما مشکل آنجا بود که فضای سالم برای یک هم‌اندیشی جمعی به وجود نمی‌آمد و علت اصلی آن، تنش بین طبقات مختلف دانشگاهی، دولت و دانشجویان با شورای انقلاب بود. عملاً به دستورات شورای انقلاب به عنوان یک مقام بالادستی بی‌توجهی می‌شد. اقدام نامناسب دیگر دولت آن بود که در ۱۳۵۹/۲/۱۵، از طرف «دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهوری» و «دانشگاه ملی ایران» اطلاعیه‌ای مبنی بر «گردهمایی طرح و بررسی ابعاد مختلف انقلاب فرهنگی اسلامی» انتشار داد (اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۱۵: ۱۱).

اولین روز گردهمایی در تاریخ مقرر برگزار شد و مورد استقبال عمومی قرار گرفت (ر.ک: اسناد-۱۳، اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۱۸: ۱۲)، آخرین جلسه این گردهمایی نیز در شنبه ۱۳۵۹/۰۲/۲۰ به پایان رسید. اما برگزاری این همایش چند نکته قابل‌تأمل داشت.

اولین نکته آن بود که در میزگرد شامگاه شنبه ۲۰ اردیبهشت، مسعود رجوی، سرکرده گروهک منافقین هم حضور داشت (ر.ک: اسناد - ۱۴، اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۲۱: ۱۲)، این درحالی است که پس از رد صلاحیت وی در کاندیداتوری نخستین انتخابات ریاست‌جمهوری با استفتائی که از امام خمینی شده بود و همچنین موضع‌گیری‌های مردم علیه این شخص و گروهک مجاهدین خلق (منافقین)، انتظار می‌رفت که از حضور او در این ستاد بسیار حساس ممانعت شود.

نکته دیگر اینکه با اتمام این جلسات، بازهم چیزی به عنوان متون درسی دانشگاهی یا تشکیل کارگروهی برای تدوین متون دروس دیده نمی‌شد. برای تربیت کادر مدیریتی و تدریس هم به ابقای همان افراد گذشته بسنده شده بود. درحالی که این تغییرات، طبق مصاحبه‌ای که از حجت‌الاسلام باهنر در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱ منتشر شد، از لوازم اصلی طرح انقلاب فرهنگی‌ای بود که در قالب پیشنهاد اولیه به امام ارائه شد (اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۱: ۴).

نکته عجیب دیگر در این گردهمایی آن بود که، هدف اولیه برگزاری این جلسات، تغییر و تحول در دانشگاه‌ها بود اما چندین بار در آن، سخن از تحول در حوزه علمیه به میان می‌آید! این در حالی است که تقریباً هیچ روحانی شاخص و برجسته‌ای در این میزگرد حضور نداشت و حجت‌الاسلام معادینخواه به عنوان تنها روحانی حاضر در این جلسه نیز که به نمایندگی از طرف آیت‌الله موسوی اردبیلی صحبت می‌کرد در دام همین توطئه افتاده بود (اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۲۱: ۱۲). پایان بی‌ثمر «گردهمایی انقلاب فرهنگی اسلامی» که به نوعی دولت و روشنفکران دانشگاهی گرداننده آن بودند، بازخوردهای متفاوتی داشت.

۱. در همان روز اختتامیه، در دانشگاه ملی، اطلاعیه‌ای به اسم دانشجویان انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویان مسلمان پخش شد که این سمینار را مقابله با «خط امام» نامیدند اما انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اعلامیه‌ای که در ۱۳۵۹/۰۲/۲۲ در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسید، این اطلاعیه را جعلی و در جهت تخریب گروه خود خواند و به نحوی بیان کردند که با این سمینار مخالف‌اند (ر.ک: اسناد- ۱۵، جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۰۲/۲۲: ۷؛ همچنین اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۲۵: ۱۱).

۲. واکنش دیگر از طرف حزب جمهوری اسلامی بود، این حزب در ۱۳۵۹/۰۲/۲۱ با صدور پیامی برای حوزه علمیه قم، اولاً با طعنه و کنایه، برگزاری سمینار انقلاب فرهنگی را ناکارآمد معرفی کرد و در ادامه از حوزه علمیه قم خواست تا در بحث انقلاب فرهنگی ورود کند (ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۲۱: ۲).

۳. چندی پس از اعلامیه حزب جمهوری اسلامی در ۱۳۵۹/۰۲/۲۱، «انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور» تصمیم گرفتند سمینار مشترکی با حوزه‌های علمیه برگزار کنند که از جهت کارآمدی، دقیقاً به موازات کاری بود که «دفتر هماهنگی و همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهوری» انجام داده بود. به عبارت دیگر، این سمینار نیز نه اقدام عملی

و نه خروجی مناسبی داشت و بیشتر وقت آن به سخنرانی و راهپیمایی و غیره گذشت (ر.ک: اسناد-۱۶؛ ر.ک: اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۳۱: ۲).

این اتفاق یک نکته قابل تأمل دیگر هم داشت و آن اینکه، این گروه از دانشجویان که عامل اصلی فوریت یافتن انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها بودند از اقدامات دولت کاملاً ناراضی بوده و حضور روحانیت در ایجاد انقلاب فرهنگی را ضروری می‌دیدند اما روزنامه اطلاعات در تیتیری دوپهلوی (ر.ک: اسناد-۱۷) از این سمینار با عنوان «سمینار مشترک انقلاب فرهنگی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها» استفاده کرد درحالی که عنوان اصلی این سمینار «حوزه، دانشگاه، انقلاب فرهنگی» به معنای وحدت حوزه و دانشگاه در انقلاب فرهنگی بود،^۲ شاید روزنامه اطلاعات با این تیتیر می‌خواست به نوعی در نگاه اول به مخاطب القاء کند که حوزه علمیه هم باید مانند دانشگاه تغییر و تحول یابد. درحالی که به کار بردن تعبیر «انقلاب فرهنگی» درباره «حوزه علمیه» کاملاً بی‌معنا می‌نمود، چون بدیهی است که حوزه علمیه تا مغز استخوانش اسلامی است، آنچه غربی بوده و باید تغییر می‌کرد دانشگاه بود. در کلام امام هم دائماً بر غربی بودن دانشگاه‌ها تأکید شده بود نه حوزه. بدتر آنکه برخی از فضلاء حوزه علمیه نیز در برابر این انحراف ایجادشده در واژه «انقلاب فرهنگی»، موضع جدی نگرفته و با خوش بینی، از آن برای تحول در حوزه علمیه استفاده می‌کردند (ر.ک: اسناد-۱۸. اطلاعات ۱۳۵۹/۰۳/۱۲: ۱۱). مسلماً برداشت این روحانیون از «انقلاب فرهنگی» در حوزه علمیه، نظم در ساختار آموزشی حوزه علمیه، کار بی‌وقفه جهادی و آشنایی با علوم روز بوده است اما ناخواسته در زمین حریف بازی کرده بودند. کمترین اثر استفاده از تیتیر «انقلاب فرهنگی» درباره غیر دانشگاه‌ها آن بود که حساسیت این امر در مورد دانشگاه کم می‌شد.

نقش سازنده رهبری و مردم

مردم که از ابتدای طرح بحث انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، بیشتر نقش حمایت‌کنندگی را برعهده داشتند، با گذشت حدود یک سال و اندی از پیروزی انقلاب و عدم مشاهده تغییرات اساسی، واکنش‌های قابل تأملی از خود نشان دادند.

عده‌ای از مردم مذهبی و انقلابی، با این گلایه که دولت و شورای انقلاب اقدام جدی در اجرای پروژه انقلاب فرهنگی نداشته و عملاً گروهک‌های زاویه‌دار با تفکرات اسلامی، مانند چریک‌های فدائی خلق و مجاهدین خلق با برگزاری میتینگ‌ها و سخنرانی‌ها سعی در مصادره انقلاب فرهنگی در

دانشگاه‌ها را دارند، خود را گروه «حزب‌الله» نامیده و اقدامات بازدارنده‌ای انجام می‌دادند که بعضاً با درگیری همراه می‌شد (اطلاعات، ۱۳/۰۲/۱۳۵۹: ۲).

علاوه بر این، هم‌زمان با نزدیک شدن به ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ که موعد تعطیلی دانشگاه‌ها بود، بیانیه‌ها و اعلامیه‌هایی از سوی نهادها و گروه‌های دانشگاهی به دست امام می‌رسید که از ایشان می‌خواستند مستقیماً نهادی به نام «شورای انقلاب فرهنگی» را تشکیل دهد. این درخواست‌ها در کنار اقدامات مردمی، حاوی نکته مهمی است و آن، مطالبه عمومی برای تغییر نهاد مجری انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها بود. همین امر نشان می‌دهد که امام خمینی نهاد «ستاد انقلاب فرهنگی» را نه با اتکاء به جبر حاکمیتی، بلکه در پی مطالبه‌گری عمومی تأسیس کرد. نکته ظریف دیگری که در اینجا وجود دارد آن است که گفتمان عمومی انقلاب فرهنگی در میان جامعه نهادینه شده و در همین گفتمان عمومی، احساس نیاز به یک نهاد تخصصی به عنوان شاخص و معیار برای پیش‌برد انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها احساس شده است.

چند نمونه از نامه‌ها و بیانیه‌هایی که برای امام نوشته شد عبارت‌اند از: اعلامیه واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی (اطلاعات، ۰۲/۰۲/۱۳۵۹: ۳). نامه جمعی از استادان دانشگاه‌های تهران (اطلاعات، ۰۷/۰۲/۱۳۵۹: ۷). جنبش دانشجویان مسلمان و دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز، که بخشی از اعلامیه گروه اخیر از این قرار است:

«... دولت و شورای انقلاب بدون داشتن هیچ‌گونه طرح و برنامه برای هیچ نهادی در مدت سیزده ماه گذشته هم اکنون دست به اقدامی زده که عملاً دانشگاه‌ها را به اغتشاش و درگیری کشانده ... و معتقدیم که دولت و شورای انقلاب به دلیل عدم بینش مکتبی انقلابی از انجام دگرگونی‌های انقلابی عاجز می‌باشند» (اطلاعات، ۰۷/۰۲/۱۳۵۹: ۷).

امام خمینی سرانجام در ۱۳۵۹/۳/۲۳ پس از تعطیلی رسمی دانشگاه‌ها، مجری انقلاب فرهنگی را از نهاد «شورای انقلاب» گرفته و طی حکمی به نهاد «ستاد انقلاب فرهنگی» سپرد که توجه به این فراز از حکم ایشان مهم است:

«مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می‌باشد، اعلام شده است و تاکنون اقدام مؤثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوص دانشجویان با ایمان متعهد، نگران آن هستند...» (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۲/۴۳۱-۴۳۲).

امام با این گذاری که در نهادسازی انجام داد، هم بحث انقلاب فرهنگی را برعهده نهادی با مشغله کاری کمتر و با هدفی جزئی‌تر، که تنها وظیفه‌اش تحول فرهنگی در ساختار دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی باشد، قرار داد و هم برای حفظ گفتمان‌سازی آن در بین عموم اقشار مردم، توصیه اکید کرد که اعضای این ستاد، باید از تمامی صاحبان اندیشه و فکر و متعهد و مؤمن استفاده نمایند. این دقیقاً همان واکنش مناسبی بود که رهبری در سلسله طبقات ششگانه‌ای که نام برده شد، می‌توانست از خود نشان دهد.

گذار کردن از نهادهایی که وظیفه اجرایی انقلاب فرهنگی را برعهده داشتند -از «شورای انقلاب» به «ستاد انقلاب فرهنگی»- و در نهایت تأسیس «شورای عالی انقلاب فرهنگی» در سال ۱۳۶۲ همگی حاکی از آن است که عدم جامعیت و فرسایشی‌شدن برنامه‌های اجرایی نهادهای مسئول انقلاب فرهنگی، منویات رهبر انقلاب امام خمینی به عنوان سیاست‌گذار کلی این موضوع را در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا شهریور ۱۳۶۲ برآورده نکرده است.

نتیجه‌گیری

اجرا شدن انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها همانند هر مقوله فرهنگی دیگر تنها توسط نهاد اجراکننده آن ممکن نبود و طبقات مختلفی در نتیجه‌بخشی به آن مؤثر بودند. بررسی سیر تاریخی عوامل عدم تحقق انقلاب فرهنگی توسط شورای انقلاب در دانشگاه‌ها، نشان می‌دهد که چند عامل سبب این عدم موفقیت بوده است: اول، مشغله کاری بیش از حد این نهاد، دوم، عدم شناخت صحیح شورای انقلاب و عمده کارگزاران این امر از «انقلاب فرهنگی» در دانشگاه‌ها و سوم، موازی‌کاری و عدم حرف‌شنوی نهادهای پایینی در اجرای دستورها.

«شورای انقلاب» به عنوان نهاد مسئول این امر، دولت، کادر مدیریتی و آموزشی و حتی دانشجویان دانشگاه‌ها، عمدتاً حرکت‌های اصلاحی مانند پاک‌سازی دانشگاه‌ها و زدودن مواد آموزشی از هر چیزی که به غرب ربط داشت را انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها می‌دانستند. آن‌ها همچنین، موضوع «انقلاب فرهنگی» و «انقلاب آموزشی» را غالباً یکجا مطرح کردند، درحالی‌که مقوله انقلاب فرهنگی، بسیار گسترده‌تر از انقلاب آموزشی است و آموزش، قسمتی خرد و البته مهم از انقلاب فرهنگ است. متأسفانه این خلط مرزهای انقلاب فرهنگی باعث شد تا اقدامات و طرح‌های شورای انقلاب و پیشنهادات برخی دیگر از سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد و غیره، دچار کلی‌گویی شده و

قابلیت اجرا نداشته باشد. البته موازی کاری و عدم حرف‌شنوی نهادهای ذیل شورای انقلاب نیز سهم بزرگی در عدم دستیابی به موفقیت نسبی این نهاد در تحول فرهنگی دانشگاه‌ها داشت.

پی نوشت

۱. معروف است که اولین اقدام برای تصرف دانشگاه توسط دانشجویان انجمن اسلامی و پیرو خط امام در تبریز و پس از سفر هاشمی رفسنجانی اتفاق افتاد اما در گزارش‌های تاریخی، اولین تصرف در ۲۳ اسفند ۱۳۵۸، اتفاق افتاد.
۲. اولین بار، ترکیب «انقلاب فرهنگی در حوزه عملیه» را احمدزاده در میزگرد سمیناری که «دفتر هماهنگی و همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهوری» برگزار کرد بر سر زبان‌ها انداخت و معادپخواه بی‌توجه به عمق معنای آن، تأییدش کرد.

کتابنامه

الف) اسناد

اسناد لانه جاسوسی امریکا، ج ۱۰، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰.

ب) کتاب

آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلایی، تهران: نی، ۱۳۹۲.

آشنایی با شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۰.

امام خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ۶، ۱۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳.

درس تجربه (خاطرات ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور ایران)، به کوشش حمید احمدی،

برلین، انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران (برلین) انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

سائلی کرده ده، مجید، شورای انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

سحابی، عزت‌الله، ناگفته‌های انقلاب و مباحث بنیادی ملی، تهران: گام نو، ۱۳۸۴.

غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹ ظهور و سقوط ضد انقلاب، تهران: دادگستری جمهوری اسلامی ایران،

۱۳۶۴.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، انقلاب در بحران (کارنامه و خاطرات سال ۱۳۵۹)، به اهتمام عباس بشیری

زیر نظر محسن هاشمی، تهران، معارف انقلاب، ۱۳۸۴.

نقش شورای انقلاب اسلامی در نهادهای سازی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها ۲۷۳

هاشمی رفسنجانی، اکبر، دوران مبارزه: خاطرات، تصویرها، اسناد، گاهشمار، زیر نظر محسن هاشمی، ج ۱، تهران: معارف انقلاب، ۱۳۷۶.

ج) مقاله

زائری، قاسم و ابوالفضل ذوالفقاری و حاجیه محمدعلی زاده، «شناسایی صورت‌بندی گفتمانی واقعه «انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها» (۱۳۵۹-۱۳۶۳)»، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، س ۲۲، بهار ۱۳۹۵، ش ۸۶.

زائری، قاسم و حاجیه محمدعلی زاده، «تحلیل جامعه‌شناختی روندهای مؤثر بر شکل‌گیری ایده انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها و شناسایی اسلوب‌های بیانی آن تا مقطع غلبه گفتار اسلامی کردن»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، س ۱۲، پاییز ۱۳۹۸، ش ۴۷.

زائری، قاسم و حاجیه محمدعلی زاده، «تباریابی رخداد «انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها» بر مبنای همسویی انتقادی روندهای کلان فرهنگی دوره ماقبل انقلاب اسلامی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، دوره ۱۰، بهار ۱۳۹۶، ش ۳۷.

فتوحی، سردار و نعمت‌الله فاضلی، «ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری انقلاب فرهنگی مبتنی بر علوم انسانی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۹، شهریور ۱۳۹۸، ش ۳۱.

د) روزنامه

اطلاعات، ش ۱۵۸۸۰، ۱۳۵۸/۰۳/۲۶، ص ۱۱.

اطلاعات، ش ۱۶۰۸۰، ۱۳۵۸/۱۲/۰۲، ص ۳.

اطلاعات، ش ۱۶۰۸۱، ۱۳۵۸/۱۲/۰۴، صص ۲ و ۳.

اطلاعات، ش ۱۶۰۸۳، ۱۳۵۸/۱۲/۰۶، صص ۱ و ۲ و ۳.

اطلاعات، ش ۱۶۰۹۰، ۱۳۵۸/۱۲/۱۴، ص ۱۲.

اطلاعات، ش ۱۶۰۹۳، ۱۳۵۸/۱۲/۱۸، ص ۸.

اطلاعات، ش ۱۶۰۹۸، ۱۳۵۸/۱۲/۲۳، ص ۱۰.

اطلاعات، چ ۲، ش ۱۶۱۰۱، ۱۳۵۸/۱۲/۲۷، اکثر صفحات.

اطلاعات، ش ۱۶۱۰۲، ۱۳۵۸/۱۲/۲۸، ص ۱۱.

اطلاعات، ش ۱۶۱۰۸، ۱۳۵۹/۰۱/۱۴، ص ۱۰.

- اطلاعات، ش ۱۶۱۰۹، ۱۳۵۹/۰۱/۱۶، ص ۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۱۰، ۱۳۵۹/۰۱/۱۷، ص ۱۰.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۱۱، ۱۳۵۹/۰۱/۱۸، صص ۴ و ۹.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۱۹، ۱۳۵۹/۰۱/۲۷، صص ۲ و ۱۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۲۰، ۱۳۵۹/۰۱/۲۸، ص ۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۲۱، ۱۳۵۹/۰۱/۳۰، صص ۱ و ۲ و ۳ و ۱۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۲۲، ۱۳۵۹/۰۱/۳۱، ص ۱۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۲۳، ۱۳۵۹/۰۲/۰۱، صص ۲ و ۳ و ۴.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۲۴، ۱۳۵۹/۰۲/۰۲، تمام صفحات.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۲۶، ۱۳۵۹/۰۲/۰۶، صص ۲ و ۳.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۲۷، ۱۳۵۹/۰۲/۰۷، صص ۳ و ۷ و ۱۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۲۸، ۱۳۵۹/۰۲/۰۸، ص ۳.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۲۹، ۱۳۵۹/۰۲/۰۹، صص ۳ و ۱۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۳۰، ۱۳۵۹/۰۲/۱۰، ص ۱۰.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۳۲، ۱۳۵۹/۰۲/۱۴، ص ۸.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۳۳، ۱۳۵۹/۰۲/۱۵، ص ۱۱.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۳۶، ۱۳۵۹/۰۲/۱۸، ص ۱۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۳۸، ۱۳۵۹/۰۲/۲۱، صص ۲ و ۱۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۴۰، ۱۳۵۹/۰۲/۲۳، ص ۱۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۴۲، ۱۳۵۹/۰۲/۲۵، ص ۱۱.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۴۳، ۱۳۵۹/۰۲/۲۷، ص ۱۱.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۴۵، ۱۳۵۹/۰۲/۲۹، ص ۱۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۴۷، ۱۳۵۹/۰۲/۳۱، ص ۲.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۵۶، ۱۳۵۹/۰۳/۱۲، صص ۲ و ۸ و ۹ و ۱۱.
- اطلاعات، ش ۱۶۱۵۷، ۱۳۵۹/۰۳/۱۳، ص ۲.
- انقلاب اسلامی، ش ۱۱۸، ۱۳۵۸/۰۸/۲۲، ص ۱ و ۲.

نقش شورای انقلاب اسلامی در نهادینه‌سازی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها ۲۷۵

انقلاب اسلامی، ش ۲۳۶، ۱۳۵۹/۰۱/۳۱، صص ۱ و ۱۶.

جمهوری اسلامی، ش ۲۶۱، ۱۳۵۹/۰۲/۰۶، صص ۷ و ۹.

جمهوری اسلامی، ش ۲۷۴، ۱۳۵۹/۰۲/۲۲، ص ۷.

کیهان، ش ۱۰۶۳۱، ۱۳۵۷/۱۱/۱۷، ص ۱.

<p>معرفی اعضای شورای سلطنت</p> <p>نخست وزیر: تصور نمی کنم شاه قبل از رای اعتماد مجلسین از کشور خارج شوند</p> <p>۷ صفحه</p>	<p>بختیار نخست وزیر در مطبوعات گفت</p> <p>اختناق وزور گوئی مردم را به عصیان کشاند</p> <p>مرات حکومت من عزانه عالی ارتشکنی بخن ضروری است</p> <p>سرمدی علم استاد و دانشجو و سینه</p> <p>۲ صفحه</p>	<p>اطلاعات</p> <p>شبه ۲۳ دی ماه ۱۳۵۷ - شماره ۱۵۷۵۸ - تکماریه ۱۵ ریال</p>	
<p>پس از ۱۵ سال امام خمینی به وطن باز میگردد</p>			<p>امام خمینی اولین وظایف شورا، تاسیس دولت انتقالی، تشکیل مجلس مؤسسان و</p>
<p>ملت ایران موظف است به اسرا و درجه داران شریف احترام بگذارد</p>	<p>امام خمینی: شورای انقلاب اسلامی تشکیل شد</p>		

خبر تأسیس شورای انقلاب اسلامی (روزنامه اطلاعات، ۲۳/۱۰/۱۳۵۷: ۱)

زدخورد دانشجویان و مردم در دانشکده علوم مشهد

فر زده خوردی که در سلفم سرویس دانشکده مشهد میان گروهی از دانشجویان فرگرفت چندین نفر مجروح شدند.

مهر دیروز بر سر توزیع مژگون غذای دانشجویان میان اعضای شورای دانشجویی و اعضای مجمع انجمن تشکیرات شیمی و گروهی از هواداران آنها بر خورد لنگی بوجود آمد. در این میان طوفان ناگهان به زد خورد برداختند و طی آن ۴ نفر مجروح شدند و ششدهای سلفم سرویس دانشکده شکست.

در پی این درگیری عصر دیروز اعضای شورای دانشجویی ۱۰ نفر از اعضای مجمع احبای تفرات شیمی و رانر جانگه فرار بودم خبرانی خود را اعلام دهند. دستگیر کردند و به آملی پتاز دانشکده علوم بردند و تصمیم به محاکمه آنها گرفتند. همزمان

باین ماجرا، چند هزار نفر از دانشجویان و سایر گروه های مردم بطرف خداری از اعضای مجمع احبای تفرات شیمی، وارد دانشکده علوم شدند. در مقابل دانشکده علوم اجتماع کردند و به دادن شعار پرداختند.

در این اجتماع نیز میان موافقان و مخالفان درگیری روی داد و دامنه آن به محوطه دانشکده داخل آن کشیده شد و گروهی مجروح گردیدند.

همچنین آنرا از دانشجویان دستگیر شده نیز مورد حمله قرار گرفتند و مجروح شدند.

بدنبال ناآرامی های دانشکاه مشهد، دکتر نفوری استاندار خراسان، رئیس شهربانی استان و نیز این همراه شمرای وارد دانشکاه شدند و با گروه های درگیر به مذاکره پرداختند.

خبر روزنامه اطلاعات از حوادث دانشکاه مشهد در ۱۳۵۸/۱۲/۰۲

**پسوان اعتراض به تجدید
آزادی و حمله به دانشگاه:**

شورای سرپرستی دانشگاه تهران استعفاداد



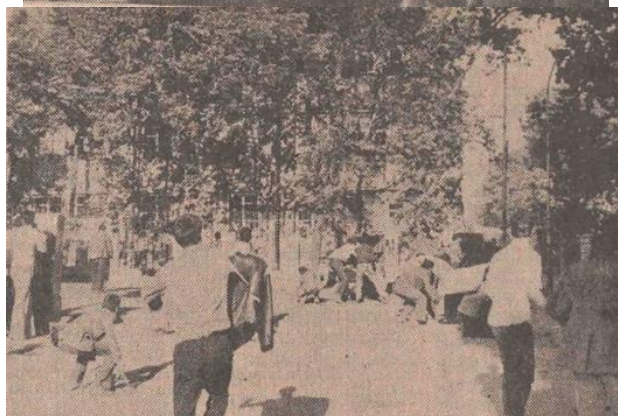
دکتر امیر امینی
دکتر امیر امینی
دکتر امیر امینی
دکتر امیر امینی

● استعفای سرپرست
دانشگاه تهران و
همکارانش برای دومین
بار صورت گرفته است
در صفحه ۲

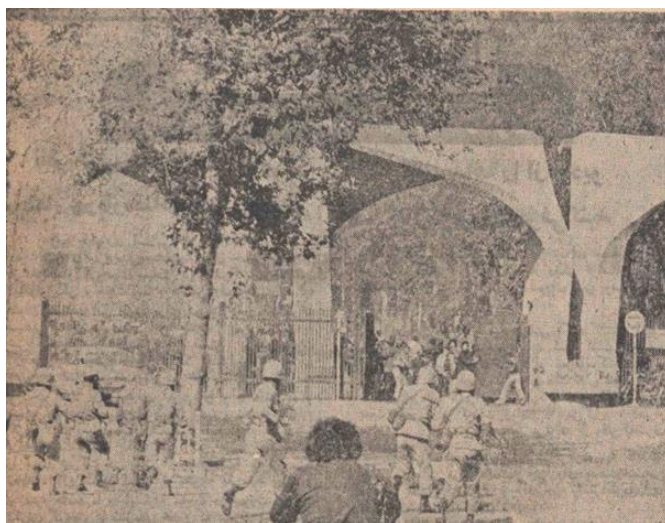
«استعفای دسته جمعی مدیریت دانشگاه تهران» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۰۶: ۲)



تصویر تصرف ساختمان مرکزی دانشگاه تبریز (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۱/۲۷: ۱۲)



اسناد تصاویری از درگیری برای تصرف دانشگاه‌ها پس از اقدام دانشگاه تبریز
تصاویری از درگیری برای تصرف دانشگاه تربیت معلم تهران، روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۰۱/۳۰



تصویر درگیری برای تصرف دانشگاه تهران (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۰۱/۳۱)



درگیری‌ها در دانشگاه شیراز برای تصرف دانشگاه (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۰۱/۳۱)



کارت پستال تبریک سال نو سازمان دانشجویان پیشگام در فروردین ۱۳۵۹ (انتشار در: «کارت پستال، سازمان دانشجویان پیشگام، فروردین ۱۳۵۹» آرشیو اسناد اپوزیسیون ایران، <https://www.iran-archive.com>)



مینی بوس حامل بنی صدر و اعضای شورای انقلاب در نزدیکی دانشگاه تهران، صبح روز ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۲)

پانوجه به مطالب فوق، نظر مسئولیت خطیری که در قبال جامعه برعهده است، بصراحت خاطر نشان میسازیم که تعداد آزادیهای دانشگاهی و نیز ایجاد تغییرات در دانشگاهها، از مجرای جز شوراهای واقعی نه تنها برای دانشگاهیان قبل قول نیست بلکه عملی هم نمیشد.

چنانچه در دل پرشد نیروی مادی و معنوی جامعه و مبارزه بیگانه و متحد ضد امپریالیستی بمنظور قطع ریشه های وابستگی عقب میوزیم، باید کوشش کنیم تا مسائل دانشگاهی را با در نظر گرفتن دو نکته فوق الذکر حل کنیم.

لذاست که تقاضا داریم، بیانیه اخیر شورای انقلاب تنها بعنوان پیشنهاد به شوراهای دانشگاهها تلقی شود و نه بعنوان دستور لازم الاجرا.

باید آنکه میازرات ضد امپریالیستی مردم مبارز ما، هرچه بیگانه تر ادامه یابد و باید و باید شکوفایی هرچه بیشتر نیروهای مادی و معنوی جامعه.

آرمن آبدالیان - حبیبعلی - پرویز ایران نژاد - محمد حسن اکبری - غلامرضا اکبری - علی آزاده - حمید انصاری - کلام آیزدی - مهستی افشار - عبدالحمید ابوالحد

فریور - فرح الله قیاضی - فریدون قاسمی - آسیت قروخ‌دین - مهدی فردانی - رضا فلی کوه کلانی - منوچهر کبابی - محمد صدیق کاکیان - لطیف کاشیگر - محمد لامعی زتنی - فریبرزلیب - مبین لطفی پور - جعفر مصباح اسکویی - علی مظفری - میر هادی - ایرج مومندی - مسیبل مجتهدی - سید مظفر مصومی - مسعود مصطفوی - مسعود منتوفی - اشتر محمود منتظر شیور - حمید مرثی - ملیحه مهاجر - فائزه میر صادقی - ابوالفضل مظفری افشار - احمد مجد - پرویز مشککی میروسی نخب - فرهاد نعمانی - وحیدنوشیروانی - نوع پرست مجتبی فاصریان - حسین نعمت‌اللهی - رضا ناظر - علی ناصری - اکرم ناصری - شهبان نوابی - احمد رضا پورجو، فرخ اسادات ابطعی، پیشوا - علی خلیف سفرالدین جدالی - صادق جاویدان یزدانی - حوری صدیقیان - غلامرضا اسماعیلیان - رضا مرقصوی - محسن دانش طلب - فرنگیس اعتماد مقدم - صالحی بدلیان - ترگس یاسا - حسین قربان - زهرا فرزاد - پروین علوی - هاشمی آسرف سادات - عباس شیمی - نصرالله رهاگذر - کردآوری اعضاء همچنان ادامه دارد .

آدرسیان - آزاد - میراب بهداد - بقای ، مسعود بینیا - خسرو بخشایی - دانی - محمد علی بزگر ، غلامرضا برادان - خسروشاهی - غلامحسین یوززاده - ناصر یا کدامن - میروسی پارسی - رحیم پور عبدالرحیم - داریوش پرویزپور - ژهن پور انصاری - اسدالله جلالی نائینی - جنشید جیری - مرضیه چالوسی - سعید حاج سعید جوادی - گیان حقیقی - طلب غلامرضا حدادچی - حضور - بیژن داوری - اردوان دوران - سمدان ذکایی - احمد رئیس - اسفندیار رفیعی - جهانگیر رشنگار - یوسف رحبه شایان رضا ربیعی طبعی - منوچهر راد - ابراهیم زرقی - عمید زمولیان - جلال زاری - حمیدعلی ریاحی - حسین زاسی - مهناز زهدت - صادق زبیا کلاهد محمد هادی زمانپور - زرگر - افسر سیار - سیمین ستوده پیمان - فریدون میامی - علی اصغر شریف منصور - محمدعلی شیخی نارانی - اصغر شیرازی - احمد شیشپانی - سعید شهبانی - رضا صفوی نائینی - ریحانه السادات صفوی - صفی الدین صفوی - علیرضا صادقی حدیثی - مسعود صباغان - سعید طاهری - فریدون تقیایی - صفی مسکری - خانقاه عروجی - رضا غفاری - منصور قیانت‌الدین - حمشید

اسامی امضا کنندگان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در نامه سرگشاده خطاب به مردم، رئیس جمهور و شورای انقلاب، که در آن، بیانیه شورای انقلاب درباره انقلاب فرهنگی را غیر کاربردی و مغرضانه دانستند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۴: ۴ و ۹)

حجت‌الاسلام رفسنجانی در پی دیدار با امام

امام خمینی فرمودند:

سرپرستان دانشگاه تهران نمیتوانند خودشان را از وقایع آن دانشگاه تبرئه کنند

● ما معتقد بودیم با وجود ستاد هانمی توانستیم دست به انقلاب فرهنگی بزنیم

● بر خلاف ادعای شورای سرپرستی دانشگاه تهران، شورای انقلاب آنها را از مسائل مطرحه در شورا مطلع کرده بود.

حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی در یک مصاحبه اختصاصی با جمهوری اسلامی در مورد دیدار روز پنجشنبه چندتن از اعضای شورای انقلاب با امام گفته: من با حجت‌الاسلام خامنه‌ای و آقای دکتر باهنر برای دیدار امام رفتم. در حضور امام مسائل دانشگاهها باره دیگر مطرح شد و امام روی تغییر نظام آموزشی تکیه کردند و در مورد استعفای سرپرستان دانشگاه تهران امام فرمودند: این آقایان خود مسئول این نابسامانیهای دانشگاه هستند. اگر

تیترو روزنامه جمهوری اسلامی از ملاقات هاشمی رفسنجانی با امام خمینی (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۰۲/۰۶: ۹)



اطلاعیه دعوت به مناظره مدیریت مستعفی دانشگاه تهران

(روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۰۷: ۱۲)



خبر ابقای مدیریت مستعفی دانشگاه تهران (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۰۳/۱۲: ۲)



لایحه تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی؛ این قانون مشتمل بر ۱۸ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۷ گروه به تصویب شورای انقلاب رسید. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۹/۰۲/۲۳: ۱۲)



اولین روز گردهمایی انقلاب فرهنگی در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹
(روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۰۲/۱۸)



مسعود رجوی در میزگرد آخرین روز گردهمایی شورای انقلاب فرهنگی اسلامی نفر اول در سمت
راست عکس (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۲/۲۱: ۱۲)

انجمن‌های اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان
در برگزاری سمینار
انقلاب فرهنگی در
دانشگاه ملی نقشی
ندارند

این اطلاعیه دهریز از طرف انجمن‌های اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها انتشار یافت. متن اطلاعیه به این شرح است:

چون انجمنهای اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی کشور بهج وجه هر رابطه با برنامه ریزی و افراد تشکیل دهنده سمینار انقلاب فرهنگی اسلامی دانشگاه ملی نبوده‌اند، لذا هیچگونه انطای هم از اهداف تشکیل آن ندارند. بنابراین از شرکت در آن خودداری نموده و هرگونه اظهار نظر را در صورت لزوم به بعد از اتمام سمینار موقوف می‌نماییم و اطلاعیه‌ای را که توسط افراد فرصتطلب به نام انجمنهای اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی کشور در دانشگاه ملی پخش گردیده و از قول ما سمینار را مقابله با خط امام تاسیدمانند، چلی دانسته و در صورت تکرار اینگونه اعمال، صادر کنندگان آنرا افسه خواهیم نمود.

اطلاعیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اعتراض به سمینار انقلاب فرهنگی

(روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۹/۰۲/۲۲)



تصاویری از راهپیمایی و اقامه نماز جماعت مشترک حوزه و دانشگاه در اولین روز سمینار انقلاب

فرهنگی در قم ۱۳۵۹/۰۲/۳۱؛ (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۳/۰۱: ۱ و ۲)



تیتراژ مرموزانه روزنامه اطلاعات و اطلاعیه انجمن های اسلامی (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۰۲/۲۸: ۱ و ۲)

کلاسهای آزاد در حوزه علمیه چینز

حوزه علمیه چینز اعلام کرد همزمان با انقلاب فرهنگی و در پی رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب امام خمینی در فصل تعطیلی مدارس کلاس هایی به شرح زیر دایر نموده است:

۱- کلاسهای اینژولوزیک شامل طرح مسایل اصلی و بنیادی اسلام، تفسیر موضوعی قرآن و شناخت نهج البلاغه.

۲- کلاسهای تقویتی و تجدیدی شامل کلاس های زبان، ریاضی، فیزیک، شیمی، عربی.

۳- کلاسهای تعلیم اسلحه با همه فنون نظامی.

۴- کلاس تعلیم قرآن به سبک جدید حداکتر در سی ساعت.

۵- کلاس تعلیم زبان عربی برای آشنایی بیشتر با زبان قرآن.

برای ثبت نام و شروع کلاسها با مدیریت مدرسهها شماره تلفن ۲۴۴۷۲۷ تماس بگیرید. نشانی شمیران چینز حوزه علمیه قائم علیه السلام.

اطلاعیه حوزه علمیه چینز در مورد انقلاب فرهنگی

(روزنامه اطلاعات ۱۲/۰۳/۱۳۵۹: ۱۱)